

خبرنگار صحرایی

یک شنبه
۸ مهر ۱۳۹۷
۲۰ محرم ۱۴۴۰
۸ صفحه/ شماره ۳۹۵۶

حکمت روز

امام صادق (ع)

مرگ، خواهش های نفس را می میراند و رو بنگاه های غفلت را ریشه کن می کند و دل را با وعده های خدا نپرو می بخشد و طبع را نازک می سازد و پرچم های هوس را در هم می شکند و آتش حرص را خاموش می سازد و دنیا را در نظر کوچک می کند.

بحار الانوار (ط- بیروت) ج ۶، ص ۱۳۳، ح ۳۲- مصباح الشریعه ص ۱۷۱

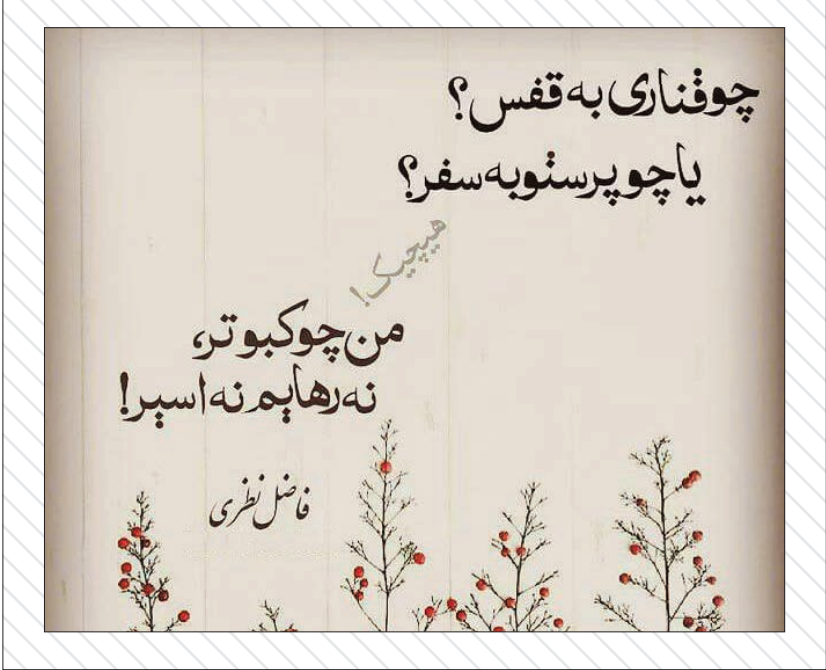
مناجات

خواجہ عبدا... انصاری

الهی!
الهی آن روز کجا باز یابم که تو مرا بودی و من نبودم
تا به آن روز تر سم میان آتش و دودم
اگر به دو گیتی آن روز را باز یابم بر سودم
اگر بود خود را در یابم به نبود خود خشنودم
خدا یا!

من کجا بودم که تو مرا خواندی، من نه منم که تو مرا ماندی

با شاعران



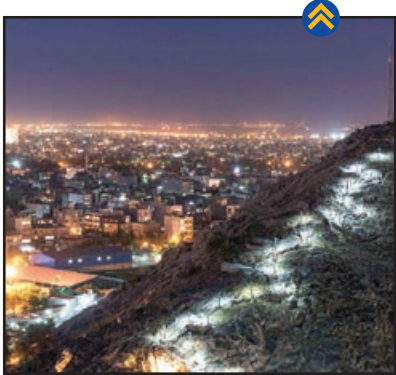
مشهد

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضار فیعی، مجری و طنزپرداز خراسانی در صفحه اینستاگرام خود از گروه سرود خاطره انگیزی نوشت که در ایام کودکی، او یک عضو آن بوده است. در بخشی از این پست اینستاگرامی او آمده است: «چندی پیش، یکی از دوستان دوران مدرسه مهدی حسینی اهل ساز و آواز، عکسی از گروه سرودمان در آن ایام در اینستا گذاشته که بر ایام جالب بود. خاطرات بسیاری از آن سن و سال نو جوانی به ذهن و ضمیرم هجوم آورد. دوران خوشی که جنگ بود، اما حال همه مان خوب بود. با این که همه چیز کوپنی بود و تحت مدیریت ستاد بسیج اقتصادی، اما لبخند ما کوپنی نبود...»



عکسی زیبا از تفاعات کوهسنگی مشهد و نمایی از شهر مان



دیالوگ

این دوتا قانون یادت باشه:
قانون اول: من هیچ وقت اشتباه نمی کنم.
قانون دوم: هر وقت فکر کردی من اشتباه کردم، یاد قانون اول بیفت!
گناهکاران - کارگردان: فرامرز قریبیان

این دوتا قانون یادت باشه:

قانون اول: من هیچ وقت اشتباه نمی کنم.

قانون دوم: هر وقت فکر کردی من اشتباه کردم، یاد قانون اول بیفت!

گناهکاران - کارگردان: فرامرز قریبیان

روزنامه	مجله	ویژه نامه	کتاب
اینفوگرافیک	گريد	لوگو	
<p>۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰</p> <p>layout@khorasannews.com</p>			

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

مشهد	تایباد	تربت جام	تربت حیدریه	درگز	سبزوار	قوچان	نیشابور
۱۳۰۰	۱۶۰۳۱	۱۴۰۳۰	۱۲۰۲۸	۱۵۰۳۲	۲۰۰۳۳	۹۲۰۲۷	۹۲۰۳۰

روز نامه خراسان رضوی:
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سر دبیر: سیدعلی علوی
دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۵۱۰-۳۷۶۳۴۰۰

یادداشت
احسان براری
<p>کارشناس مسائل شهری</p>

شوراهای محلات؛ فرصت‌های مغفول مانده مدیریت شهری

آن چه به انتکای تجربیات داخلی و خارجی، علم مدیریت شهری و مدیریت دولتی، در عرصه عمومی مشخص شده این است که مدیریت از بالا به پایین و یک سویه دولتی در جوامع، فاقد کارآمدی لازم است. این نا کارآمدی بر اثر مدیریت بالا به پایین هم در عرصه فنی و اجرایی و هم در عرصه سیاسی و مردمی است و راهکار آن نیز ارائه فرصت برای مشارکت‌های عمومی در مدیریت عمومی است.

به طور مشخص در مدیریت شهری باید عرصه‌های لازم برای مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا فراهم شود تا زمینه حکمرمایی خوب شهری که همانا مشارکت مردمی موثر و فعال و مستمر است، فراهم آید. مدیریت شهری باید ساختارهای لازم و فرایندهای مناسب برای تحقق این مدیریت مشارکتی را ایجاد کند تا تصمیم‌گیری‌هایی که در عرصه مدیریت شهری انجام می‌شود نه تنها حسب صلاحدید مدیران شهری بلکه بر مبنای خرد جمعی تمامی ذی‌نفعان آن عرصه باشد.

البته مشخص است که این تصمیم‌گیری مشارکتی نباید به صورت انتصابی باشد و باید فرصت برای مشارکت همه افراد، صاحب‌نظران و چهره‌های ذی‌نفوذ فراهم آید. یعنی اگر به‌طور مثال در شهرداری‌ها شورایی‌مشورتی متشکل از افراد و نهادهای مختلف برای تصمیم‌گیری در زمینه خاصی تشکیل می‌شود؛ تقریباً در تمامی موارد، اعضای این شورا انتصابی انتخاب می‌شوند و عملاً گزینش‌شده هستند و نمی‌توانند به اندازه کافی افکار عمومی یا صاحب‌نظران را نمایندگی کنند. به عنوان مثال اگر در زمینه درآمدهای پایدار شهری کمیته‌ی مخصوص متشکل از استادان و صاحب‌نظران مختلف این حوزه تشکیل می‌شود، اعضای این کمیته توسط مدیر شهری مربوط انتخاب می‌شوند و این غدغه وجود دارد که در چنین بسترهایی، رویکرد تک‌صدایی شکل بگیرد.

به این علت لازم است ساز و کاری تهیه شود تا صاحب‌نظران، مردم، متشکل‌های مردمی، بخش خصوصی و... بتوانند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود در سطح شهری مشارکت فعال داشته باشند، صدای آن‌ها شنیده شود و نظرات آن‌ها حائز اهمیت باشد و به واقع در عمل نیز مورد توجه قرار گیرد.

یکی از این ساز و کارها و ساختارها که می‌تواند نقش بسیار فعال و موثری در این زمینه ایفا کند، شوراهای محلات هستند. شوراهای محلات در شهر مشهد سال ۱۳۹۰ ایجاد و راه‌اندازی شده اند اما هنوز جایگاه درست و روشنی در تصمیم‌گیری‌های شهری ندارند. از آسیب‌های اصلی این شوراها هم این است که اختیارات و جایگاه لازم-مشخصی در تصمیم‌گیری و اجرا ندارند، ساختار و چپنش اعضای آن متوازن و مردمی نیست، اعضای آن بیشتر انتصابی توسط شهرداری هستند و قشر خودیای مردم آن محله‌را نمایندگی نمی‌کنند و البته محدود و مرزهای محلات نیز به درستی ترسیم نشده است.

این مشکلات باعث شده است شوراهای محلات در مواردی به مثابه کالبدی بی‌روح در مدیریت شهری عمل کنند و اثرگذاری لازم را به نفع محلات نداشته باشند، در حالی که این ظرفیت‌مشورتی می‌تواند بهترین عرصه برای مشارکت مردمی در مدیریت شهری باشد و دغدغه شهروندان و اهالی محلات را برای بافتی که در آن زندگی می‌کنند، و چندان کند. اگر چنین ساختار و ترکیب اعضای شوراهای محلات به درستی انجام شود و انتخاب آن‌ها به نوعی باشد که مردم یا اقشار و طبقات مختلف مردمی را نمایندگی کنند و البته اختیارات و جایگاه مناسب داشته باشند، قطعاً می‌توانند به عنوان بازوهای اصلی حکمرمایی خوب شهری برای مشهد ایفاي نقش کنند. آن چه در شوراهای محلات هم اکنون دیده می‌شود (و البته تصمیم‌گیری‌های اصلاحی شهرداری در باره آن کمابیش به همین صورت است) این است که جایگاه شوراهای محلات در نهایت به عنوان تصمیم‌ساز در مدیریت شهری و محله‌ای تعریف شود؛ یعنی در نقش مشاور نظر خردی در مدیران شهری ارائه کنند، در حالی که جایگاه آن‌ها باید به تصمیم‌گیری مشارکتی ارتقا داده شود تا بتوان حکمرمایی خوب شهری را از دل آن به دست آورد.

شوراهای محلات اگر فقط در نقش تصمیم‌ساز باشند، عملاً تأثیر به‌سزایی در مدیریت شهری ندارند و در نهایت ممکن است مدیران شهری بی‌اعتنا به نظرات شورای محلات تصمیم‌های خود را بگیرند. شوراهای محلات باید با داشتن فرایندهای دقیق، بتوانند جایگاه واقعی و موثر در تصمیم‌گیری‌های شهری داشته باشند.

یکی از نکات دیگر در باره شوراهای محلات این است که هم اکنون این شوراها تنها در عرصه فرهنگی و اجتماعی به ایفای نقش در محلات می‌پردازند، در صورتی که لازم است مدیریت شهری در یک برنامه‌گام به‌گام و طی فرایندهای دقیق و حساب‌شده، تصمیم‌گیری در باره عمده‌شئون مدیریت شهری را با مشارکت فعال این شوراها انجام دهد و به‌حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی محدود نماند.

البته این شوراها نه تنها باید در سطح محله، بلکه باید در سطح منطقه‌ای و شهری نیز به‌صورت ساختارهای مشورتی و کمیسیون‌های تخصصی ایجاد شوند تا کارکرد تصمیم‌گیری شهری با مشارکت اضلاع حکومت، مردم و نهادهای مردمی، بخش خصوصی و فعالان اقتصادی شکل بگیرد و بستر حکمرمایی خوب شهری فراهم شود.

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر



ماجرای احداث اولین ایستگاه «اطفائیه» یا همان آتش‌نشانی امروز در مشهد

از گاری اسبی و سطل‌های آب تا ماشین‌های آب پاش زنگ‌دار

۱۲ دستگاه تختخواب فیزی و وسایل استراحت به‌آتش‌نشانی واگذار و ضمناً ماهیانه ۲۰۰ ریال بر حقوق آنان افزوده‌شده است. [۱۱]
در زمان شجاعی، آتش‌نشانی شاهد فعالیت‌های گسترده‌ای بود. وی نخستین کسی است که از آتش‌نشانی مشهد در سال ۱۳۳۸ به آلمان اعزام شد و در آنجا آموزش‌های نوین آتش‌نشانی‌را فرا گرفت. شجاعی درخصوص چگونگی اعزامش به آلمان و گذراندن دوره آتش‌نشانی در آن‌جا گفته است: «در سال ۱۳۳۸، در حریق هتل فیروزه، شیلینگ‌آب را در دست داشتم و روی دیواری مشرف بر حریق نشسته بودم و آماده بودم تا پس از جریان آب، به‌سوی حریق نشانه‌روم. فشار آب زیاد بود و ناگهانی جریان یافت و شیلینگ ضربه زد به سینه‌ام و از بالای دیوار اقدام کنار آتش‌ها. در آن حادثه پایم شکست و به کمرم ضربه‌سختی وارد شد و کتف‌ام نیز شکست. در سال ۱۳۳۸ جهت معالجه و در مان به آلمان اعزام شدم. در همان سال یک دوره آتش‌نشانی را در آلمان گذراندم و دیپلم مربوط را با موفقیت دریافت کردم. اثرات آن آموزش‌ها بعد از بازگشت او به مشهد مشخص شد، زیرا با به‌اجرا آوردن طرح‌های جدید، آتش‌نشانی مشهد از نظر نوع تجهیزات، انضباط افراد، فرم لباس‌ها و... به‌کلی متحول شد. [۱۲]

حریق در هتل پارس

همچنین روزنامه «نور ایران» از خدمات شجاعی در آن دوران چنین یاد کرده است: «... در جریان اطفای حریق ساختمان هتل پارس، رئیس شجاع آتش‌نشانی و مأمورین فداکار او با فقدان وسایل، آن‌چنان از خود گذشتگی نشان دادند که عمل آن‌ها بیشتر به‌خودکشی شباهت داشت. شجاعی رئیس آتش‌نشانی که امتحاناتی از این قبیل در گذشته هم داده، در این آتش‌سوزی واقعاً به‌طرز اعجاب‌آمیزی کار می‌کرد و خودش پیشاپیش همه مأمورین آتش‌نشانی به‌داخل آتش می‌رفت. در تمام مدت آتش‌سوزی، آقای شهردار در محل حریق حضور داشت و این حریق که درعین‌حال حریق خطرناک و شدیدی بود، از ساعت ۱۰ صبح یعنی به مدت ۲ ساعت ادامه داشت و اگر آتش‌نشانی یک نردبان بلند فلزی داشت، حریق در مدت کوتاهی اطفای می‌گردید و این همه خودکشی لازم نداشت. [۱۳]».

شجاعی پس از انقلاب اسلامی بازنخسته‌شد و سرانجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۶ در سن ۷۵ سالگی بر اثر ابتلا قلبی در گذشت و در آرامگاه خواجه‌ابصلت به‌خاک سپرده شد.

- [۱]. روزنامه اطلاعات، ۱۴ مهر ۱۳۰۸
- [۲]. حدیث عشق و آتش. حسن جعفری و حسین خاکپور. مشهد: پیام‌طوس. ۱۳۹۲، ص ۸
- [۳]. روزنامه آفتاب شرق. پنج‌شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۱۵
- [۴]. همان. پنج‌شنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۱۷
- [۵]. تاریخچه آتش‌نشانی در ایران. فرشید قاسملو. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور. ۱۳۸۸، ص ۱۲۴
- [۶]. روزنامه خراسان. چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۳۱، ص ۶
- [۷]. راهنمای مشهد. غلام‌زاری‌یانی. مشهد: کتاب فروشی‌زوار. ۱۳۳۴، ص ۴۷
- [۸]. هفته‌نامه شهرآرا، ۱۱ آبان ۱۳۷۸، ص ۲
- [۹]. صاحب‌باخ خانواده آقای شجاعی، ۱۳ مرداد ۱۳۹۰
- [۱۰]. روزنامه خراسان، مرداد ۱۳۳۶، ص ۶
- [۱۱]. همان
- [۱۲]. تاریخچه آتش‌نشانی در ایران، ص ۲۲۲
- [۱۳]. روزنامه نور ایران، ۲۸ مهر ۱۳۴۱



بریده کتاب

اگر ندانیم که می‌میریم طعم زنده بودن را نمی‌توانیم بچشیم و بدون دریافت شگفتی شگرف زندگی، تصور مرگ نیز ناممکن است. روزی که پزشک به مادر بزرگش خبر داد که بیماری‌اش لا علاج است چیزی بدین مضمون بر زبان آورد: تا این لحظه نفهمیده بودم، زندگی چه زیاست؟ تاثر او نیست که آدم باید بیمار شود تا بفهمد زنده بودن نعمتی است؟

دنیای سوفی - نویسنده: یوستین گردر